

متن پرسش

با سلام و عرض ادب و دلتنگی خدمت استاد عزیزم و آرزوی حفظ سلامتی شما در این ابتلاء و بیماری چند سوال داشتم سوال اول: برای تقویت اراده و ایجاد تعصب، در برابر آنچه که آن را حق یافته ایم، و می دانیم که اگر این نگرش ها و افعال از ما رخ دهد به طور پیوسته، نتایج عالی در پیش خواهد داشت، عالی ترین راهکارها برای تقویت اراده در مسیر حق چیست؟ به عبارت دیگر چطور تمرکز در سیر و حرکت بیابیم، که غفلت ها و تنبلی ها، مانع حرکت ما نشوند، و با صلابت و پر اراده و با تمرکز سیر طریق کنیم؟ سوال دوم: مدتی است تحت وسوسه شدید به چهره زنان هستم، مرتباً دچار این وسوسه می شوم که مثلاً به چهره فلان خانم زیبا، در صفحه تلویزیون خیره شوم، یا به چهره فلان خانمی که در خیابان است، نگاه کنم و... و این حالت درونی برایم سخت و آزار دهنده شده، به طور ویژه این وسوس به این شدت در ماه رجب حاصل شده، و بیشتر اذیتم می کند که با شکست در امتحانی، از فیوضات ماه رجب محروم بمانم. نظر شما در این مورد چیست؟ چرا تحت چنین آزمایشی قرار گرفته ام؟ چگونه خلاصی یابم؟ توضیح: حالتی که در این وسوسه ها حس می کنم، که میگو نگاه کن، حس شهوانی نسبت به زن، و لذت بردن جنسی نیست، حس لذت بردن طبیعی از زیبایی یک مخلوق خداست، مثل لذت بردن از گل و فکر می کنم همین حس کار را پیچیده تر کرده، چون اگر مخلوط با شهوت یا غلبه شهوت بود، زشتی و سیاهی آن ظاهرتر بود، ولی اینگونه مخفی شده و راه مقابله و تشخیص ورود شیطان سخت تر در اکثر مواقع تن به این خواست ندام و مسلط بر خود بوده ام، اما گاهی فریب خورده و بعد از گذشت زمانی، دوباره مسلط شده و چشم بسته ام در مهار خیلی مشکلی ندارم، در دفع این خطورات مشکل اصلی دارم. اگر در هر دو راهنماییم کنید، ممنونتان می شوم. سوال سوم در حکمت متعالیه قایل به نظریه اکتسابیم و انسان را جسمانیه الحدوث و روحانیت البقاء می دانیم به عبارت دیگر انسانی بتشخصه، قبل از دمیده شدن روح وجود نداشته سوالی برایم پیش آمد، که جویای حلش از شما شدم. در روایات داریم، شیعیان امیرالمومنین (علیه و علی ابناؤه السلام) با حضرت قبل از خلقت مادیشان بیعت داشته اند. و در قضیه بیعت ابن ملجم ملعون، ظاهرش این است که حضرت به تشخصه میگن تو آنجا نبودی، یا روایات دال بر اینکه کسانی که در این دنیا با هم دوستی دارند، در عالم قبل ماده، آنجا هم با هم بوده اند و... یا روایاتی که دلالت بر این دارند که نفس امیرالمومنین چند هزار سال قبل خلقت حضرت آدم خلق شده اند، و این نفس پشتیان همه انبیا بوده است، در روایتی هام از اجنه خدمت پیامبر میاد، و پیامبر میگه به این آقای بغل دستی نگاه کن، میگه همین آقا بود، که انبیا رو از شر ماها نجات می داد جمعش به چه نحوی

هستش؟ سوال چهارم: اجنه در زمان حضرت سلیمان تجسم مادی پیدا کرده بودند یا تمثل؟ این را پرسیدم مقدمه برای این سوال که آیا اجنه تجسم مادی می یابند؟ و اگر پاسختان منفی است، و فرد در عالم خیال خود با تصویری از جن و جسم مثالی جن، رو به رو شده، و آن را می بیند، پس چگونه جن اگر تجسمی ندارد، در عالم ماده تصرف می کند و اشیا را جا به جا می کند، یا مثل کتاب آن سوی مرگ، آن لطمه ها را به آن شخص و اموال او وارد می کند، یا مشهور است که سنگ به خانه افراد پرتاب می کند و...؟ یا چطور از باقی مانده قضای انسان تناول می کنند؟ ملک هم تجسم میابد؟ روایات مربوط به رویت جبرائیل توسط اصحاب چگونه تحلیل می شوند؟ یا چگونه ملک از بوی شخص تغذیه می کند؟ و... خداوند طول عمر با عزت به شما در ظل توجهات عالیه حضرت ولی عصر عنایت بفرمایند. مشتاق دیدار شما هستم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. هر اندازه از آرزوهای دنیایی کم کنید به همان اندازه توفیق عمل به آن چه حق می دانیم در ما پیدا می شود. ۲. به هر حال این حالت در این مسیرها پیش می آید، باید آن نگاهها را دنبال نکرد. پس از مدتی انسان از آن ظاهرها عبور می کند و نظرش به شخصیت ایمانی و باطن روح انسانها می افتد. ۳. آری! روحها قبل از بدنها در علم خدا خلق شده اند و برای به ظهور آمدن در این دنیا، به بستر بدن مادی نیاز دارند و از این جهت، «جسمانیة الحدوث» اند و حال همین روح که در بدن خود را یافته و انتخابهایی در این دنیا داشته «روحانیة البقاء» می باشد و پس از بدن به صورت شخصی باقی می ماند. ۴. احتمالاً باید روی جسم مثالی آنها بیشتر فکر کرد. حتی وقتی برای انسانهای عادی ظاهر می شوند در حیطه خیال آنها ظاهر می گردند، ولی مثل نفس ما که در عین مجرد بودن می تواند بدن خود را حرکت دهد؛ آنها با قدرت خود که به جهت مثالی بودنشان بیشتر از قدرت های مادی است، در عالم ماده با اراده ای که دارند تصرف می کنند، مثل آنهایی که از دور، چیزی را حرکت می دهند و یا قطاری را متوقف می کنند. موفق باشید